

۱۸ تیر، این هنوز شروع کار است!

بدر کنند. با تمام این اقدامات و خط و نشان کشیدن مردم از تهران تا مشهد، از تبریز تا شیراز و از اصفهان تا سنندج و کرج و زنجان و زاهدان با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه‌ای و خاتمی به میدان آمدند. شعارهای آزادی برابری و آزادی زندنیان سیاسی در همه جا و در تمام تظاهرات طنین انداخت و به دنیا نشان داد که مردم ایران چه می‌خواهند.

مردم در این مدت بدون هیچ پرده حائلی بین خود و حکومت، مستقیم و بی پرده اعلام کردند که این حکومت باید برود و

صفحه ۲

که می‌خواستند به دنیا نشان دهند که جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و خود راسا تصمیم به کنار گذاشتن گرفتارند.

جمهوری اسلامی هر چه در توان داشت بکار گرفت، تمام خیل اوباش و جیره بگیر رژیم از سپاه و بسیج و لباس شخصی و اطلاعات تا هشدار و تهدیدات "دگر اندیشان" اسلامی و تا ابراز کینه توأم با وحشت شخص خاتمی را به میدان مصاف با مردم آوردند. در بسیاری از شهرها عملاً حکومت نظامی اعلام کردند و هر نوع تجمع را ممنوع کردند. تمام قرارها را لغو و همه کارها به بعد از ۱۸ تیر موکول شد تا بدین وسیله بتوانند از کابوسی که در انتظارش خواب از سرشان پریده بود جان سالم



خالد حاج محمدی

از ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر شاهد اعتراضات وسیع مردم و کشمکش جنبش سرنگونی طلبی با جمهوری اسلامی بودیم. در این مدت و خصوصاً در ۱۸ تیر شاهد بسیج تمام اوباشان رژیم برای مقابله با مردمی بودیم

دفاعیات قبل از دادگاه

در حاشیه خطبه رفسنجانی

ایرج فرزاد



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار

به انسان است.

منصور حکمت

جمهوری اسلامی خطبه نماز جمعه روز ۲۰ تیر را به یار دیرین "امام" و چهره "آهنگین" نظام اسلامی اما در عین حال از منفورترین آنها در میان مردم، سپرد.

از همه وجنات رفسنجانی معلوم بود در مقابل موج عظیم سرنگونی طلبی مردم، دست و پای خود را گم کرده است، یاهه سرائی میکند و دارد هذیان میگوید. فرمودند که نظام در تقابل با حرکات "بچه های خودمان" در روزهای حول و حوش تیرماه "هنوز نیروهای اصلی دوران بحران را به میدان نیاورده بود!!" رئیس مجمع مصلحت نظام، اما نتوانست از کف دادن کنترل بر خود و نظامش را پنهان کند. تلاش آخوندی برای تسکین خود و همقطارانش در حکومت از طریق جزئی و کوچک و فاقد اهمیت نشان دادن تحرکات "بچه های خودمان" در روزهای تیر، با ارائه تصویر یک حرکت بسیار قدرتمند و سازمانیافته و سازش ناپذیر، بلافاصله رنگ میبازد. گفت که در روزهای اخیر تمام "قدرتهای شیطانی" جهان بکار افتاده بودند، پول خرج کرده بودند و حتی از پیش خبرنگاران و خبرنگارهای خود را در اطراف دانشگاه مستقر کرده بودند تا تحریک کنند. انگار دورنمایی که دور اخیر مبارزات مردم با وارد شدن به فاز سرنگونی نظام در برابر آیت الله قرار داده بود چنان جدی خطر را بیخ گوش ایشان و

صفحه ۲

گرامی باد خاطره عزیز امید نیک بین و ۴ رفیق هم‌رزم او، قربانیان جنایت ۱۴ ژوئیه سال ۲۰۰۰ جلال طالبانی و مزدوران اتحادیه میهنی کردستان

حامد خاکی

صفحه ۳

پرده فکاهی پولتیک زدندای قوم پرستان کرد



عبدالله شریفی

صفحه ۳

مردم سنندج وسیعا در مراسم یادبود فرهنگم صادق وزیر (سعید) شرکت کردند

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

ایسکرا

iraj_farzad@yahoo.com

سردبیر: ایرج فرزاد

فاکس: 00448701687574

تلفن: ۰۰۴۶۷۳۹۵۵۵۰۸۵

چهارشنبه‌ها منتشر میشود

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر- ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۲۰ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدید

radio7520@yahoo.com

Tel: 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0046 8 659 0755

رادیو انترناسیونال روی اینترنت

www.radio-international.org

تلویزیون انترناسیونال

بکشنیه‌ها ساعت ۵:۳۰ بهارظهر

تکرار: جمعه‌ها ساعت ۵:۴۰ بعدازظهر

بوقت تهران

در شبکه تلویزیونی کانال یک

تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:

www.wpiran.org/TV

◀ دفاعیات... ▶

صحرای کریلا میروید و تاریخ فتاوی آیات عظام را در دورانی که عراق مستعمره انگلیس بود را باز گو میکند و به فتاوی آیات "حوزه نجف" در مورد حرام بودن پذیرش قوانین آمریکائی و انگلیسی در دوران پس از ساقط کردن رژیم بعث باز میگردد. و همه اینها را سرهم بندی میکند، انگار یادش میروید که میخواهد آترا به رویدادهای چند روز اخیر در ایران ربط دهد. به زبان بی زبانی میخواهد به یاران خود در راس رژیم بگوید که حتی پس از سقوط امید به جولان اسلام سیاسی وجود دارد! میخواهد بگوید اسلام ساقط شده از حکومت پس از اینهمه پیاده کردن احکام قرآن در زندگی زن، در حقوق کودک، در تحمیل آپاراتاید جنسی و زندگی تحت خفقان حجاب و مقنعه، و با هزاران اعدامی و سلاخی شدگان توسط جانوران مکتب اسلام و قرآن، میتواند اعاده شود و باز بعنوان غده چرکینی در مبارزات مردم ایران و منطقه باقی بماند. و این را خود حضرت حجت الاسلام دلبنده و یا غار امام راحل میدانند که دارد چرت میگوید و فقط تعزیه گردانی اسلامی است.

اسلام سیاسی با بزیر کشیده شدن رژیم جمهوری اسلامی نه تنها در ایران بلکه در منطقه خاورمیانه و شاخ آفریقا برای همیشه به گور سپرده خواهد شد. مردم ایران با سرنگون ساختن رژیم اسلامی زمینه بنای یک جامعه آزاد و برابر را فراهم میکنند و جنبش رهائی از طاعون اسلام سیاسی و خلاصی فرهنگی و مبارزه برابری طلبانه زنان وارد مرحله برگشت ناپذیری خواهد شد.

حجت الاسلام رفسنجانی و سران رژیم یک ربع قرن جنایت و خون و فاجعه، باید بسیار بیشتر از اینها خود را برای حضور در جلسات محاکمات خود آماده کنند. کمونیسم کارگری اسلام سیاسی را از حیات جامعه ایران جارو خواهد کرد و همزمان بطور قطع مجازات اعدام را برخواهد افکند. اما به جناب رفسنجانی اطمینان میدهد که در یک محاکمه عادلانه و علنی خود ایشان و سران رژیم جنایتکاران اسلامی را کیفر خواهد داد.

شنیدن اعترافات جانینان تسلیم شده به اراده مردم مشتاق آزادی و برابری و مدنیت پیشرو و مرفه و مدرن خود صحنه های جالبی برای جهانیان خواهد بود.

۱۲ ژوئیه ۲۰۰۳

۱۸ تیر

(ادامه از صفحه ۱)

اعلام کردند که میخواهند با دست خود آن بیاندازند.

اگر در گذشته مردم خواستهای خود را در قالبهایی دیگری چون خواهان اصلاحات به نفع مردم هستیم و از این قبیل طرح میکردند، امروز با صدای رسا به دنیا اعلام کردند که نابودی جمهوری اسلامی اولین خواست آنان است. و به همین اعتبار در این مدت جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران یک قدم جدی و بازگشت ناپذیر به جلو برداشت.

این جنبش پرونده یک دوره از تاریخ کشمکش با رژیم را بست و وارد فاز کاملا متفاوتی شد.

این دوره از مدتها قبل شروع شده بود، اما با اعتراضات ۱۸ تیر و روزهای قبل از آن، جنبش سرنگونی طلبی در اشکال کاملتر و با خواست و شعارهای روشتر پیش آمد و مستقیم روبرو روی کلیت جمهوری اسلامی با عمامه و بی‌عمامه‌اش قرار گرفت و پرونده دور پیشین را بطور کامل بست. در این مدت صحنهها تماما عوض شدند و شخصیتها و سخنگویان و کسانی که جلو صحنه بوند جا عوض کردند.

این مدت از خیل شاعر و نویسنده اصلاح طلب و دوم خردادی و مدافعان "آرامش و خردی" و طرفداران رژیم قیام شده در پشت شعار "فرصت بیشتر" به خاتمیان و پز تزویر آمیز و سرتاپا ریاکارانه "ضد خشونت"، همگی در کنجی خزیدند و امیدشان را به فراموشی حافظه تاریخی مردم بستند. در مقابل راست و چپ جامعه با آلت‌رتیبوهای خود برای دوران پس از سرنگونی رژیم اسلامی به میدان آمدند.

بعد از ۱۸ تیر ظاهرا ۱۸ تیر خاتمه یافته است، ظاهرا کابوسی که باعث شد سران ریز و درشت رژیم شب و روز در واهمه بسر برند تمام شده است. رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته، در ۲۰ تیر تلاش میکند این پیام را به نیروهایشان اعلام دارد و همزمان تهدیدها و خط و نشان کشیدنها را برای مردم ایران به زبان میاورد. رفسنجانی می‌کوشد خیل قمه بدست رژیم را نوازش کند و به آنها قوت قلب بدهد که گویا کنترل اوضاع را در دست دارند. اما حقیقت این است که نه خود رفسنجانی و دیگر سران رژیم به این ادعاها باور ندارند

و نه هراس نیروهایشان از انقلاب مردم کاسته خواهد شد.

۱۸ تیر ظاهرا خاتمه یافت اما این هنوز شروع کار است. مردمی که به قصد نابودی رژیم به میدان آمده‌اند و سالهای سال آرزوی چنین لحظاتی را داشتند را اکنون دیگر نمیشود به خانه هایشان بازگرداند. کار رژیم بعد از ۱۸ تیر به مراتب مشکلت‌تر و سخت‌تر از قبل است. آنچه در این مدت اتفاق افتاد تنها گوشه کوچکی از توان و قدرت نیرویی بود که میخواهد رژیم را سرنگون کند. کشمکش این مدت فضای سیاسی ایران را عوض کرد، اکنون بحث هر محفل خانوادگی هم چگونگی کنار گذاشتن جمهوری اسلامی و اینکه چه چیزی را به جایش بگذارند، میباشند. بحثی از تعدیل و اصلاح نیست و این دیگر جایی در فکر و عمل مردم ایران ندارد. کسی در این شکی ندارد که جمهوری اسلامی رفتنی است و این دیگر به داده‌های عینی مردم تبدیل شده است. رفتن این رژیم نه تنها برای مردم بلکه برای خوشبخت‌ترین طرفداران رژیم به امری مسجل تبدیل شده و به همین دلیل سران و مزدوران رژیم کابوسی را در مقابل خود و آینده‌شان انتظار میکشند.

آنچه در این مدت اتفاق افتاد حرکتی بود برای باز کردن راه طغیان مردمی که تنفر از جمهوری اسلامی سراسر وجودشان را گرفته است. اعتراضات آتی به مراتب وسیعتر، دامنه‌دارتر و در عین حال رادیکالتر خواهد بود. و به همین نسبت توان مقابله رژیم علیرغم هر حرکت جنایتکارانه‌ای که برای بقا خود انجام دهد و به هر ماجراجویی که دست بزند، ضعیفتر خواهد بود.

اکنون دوره جریاناتی است که خواست مردم با آنان با اهداف و آرمانهای آنان تداومی خواهد شد. مردم ایران، جوانان، زنان و مردانی که روزهای اخیر در خیابانها آفتابی شدند، خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی، خواهان آزادی، رفاه و برابری، خواهان خاتمه دادن به آپاراتاید جنسی هستند. مهمترین مسئله امروز اتحاد مردم حول همین خواسته‌هاست. به قول کورش مدرسی مردم باید "حول پرچی متحد شوند و این پرچم باید همان خواستههایی باشد که مردم دارند". خواست مردم امروز سرنگونی جمهوری اسلامی و آزادی و برابری است پس باید حول این

پرچم متحد شد.

این پرچم اکنون در دست حزب کمونیست کارگری ایران است. حزب کمونیست کارگری در پیشاپیش صف مردمی است که خواهان نابودی این رژیم، خواهان آزادی و برابری است. تضمین پیشروی جنبش برابری طلبانه مردم ایران، تضمین رهایی زنان از آپاراتاید جنسی و تامین برابری کامل زن و مرد، تضمین ایجاد جامعه‌ای مرفه و شایسته انسان امروز در گرو تقویت جریانی است که این پرچمها را در دست دارد و این جریان حزب کمونیست کارگری ایران است. این حزب از روز اول برای همین کار ساخته شده است. این حزب متعلق به تمام کسانی است که میخواهند از شر جمهوری اسلامی نجات یابند و جامعه‌ای برابر و آزاد را بنیاد نهند. باید امکان انتخاب این حزب را برای مردم ایجاد کرد و باید به این حزب پیوست. جمهوری اسلامی میروید ولی رسیدن مردم به آزادی و رفاه و جامعه‌ای انسانی امری محتمل نیست. اگر تضمینی برای تامین خواست و آرزوهای مردم ایران باشد، این تضمین از طریق تقویت این حزب و پیوستن در مقیاس وسیع به صفوف آن میسر است. در صف سرنگونی طلبان رژیم جریانات اصلی راست و چپ با احزابشان خود را برای گرفتن قدرت آماده میکنند. اکنون دورانی است که باید انتخاب کرد. حزب کمونیست کارگری نماینده چپ جامعه است و انتخاب این حزب وظیفه تمام کسانی است که میخواهند زندگی آسوده تر، انسانی‌تر و شاد و خوشبخت تری بعد از سقوط رژیم جمهوری اسلامی داشته باشند.

به کمونیسم کارگری پیوندید و در پیوستن به این حزب و تقویت این حزب تعجیل کنید.

۲۳ تیر ۱۳۸۲

کمکهای مالی به

کمیته کردستان

سامی از آمریکا

۱۰۰۰ دلار آمریکا

سعید مدانلو

۵۰۰ دلار آمریکا

هاشم ترکمان

۱۵۰۰ کرون سوئد

پیام عبدالله مهتدی، پرده‌ای فکاهی از پولتیک زدندهای قوم پرستان کرد

طالبانی و دوستانش است. اتحاد با حزب دمکرات (و یا به عبارت دقیق تر پولتیک زدن به حزب دمکرات) اسم رمز این نمایش است. اینها شنیده اند که شایع شده است که "سام براون بک" حزب دمکرات را کاندید سمت کدخدایی کردستان کرده است، "بیابید متحد شویم" به زبان آدمیزاد یعنی اعلام آمادگی در درگاه این حزب برای ایفای نقش امثال همه حاجی محمود. وگرنه باند زحمتکشان نه جریانی سیاسی هستند و نه حزب دمکرات هم به سادگی حاضر است که این جماعت را در کنار خود تحمل کند و پستهای درجه چندم اداری "خاک پاک کردستان" را در فردای رویاهایش با اینها تقسیم کند. برای عبدالله مهتدی و خویش فعال مهم است که به هر قیمت آمادگی خود را برای قالب کردن خود بعنوان یک جریان سیاسی مطرح و آمادگی برای ایفای نقش خرد و ریز در راستای سیاست آمریکا برای ایران را اعلام دارند. اگر این حضرات جریانی سیاسی نیستند که نیستند، اگر این جریان در تب بازی در نقش شبیه به نقش اسماعیل آغای هرات در افغانستان و همه حاجی محمود در کردستان عراق میسوزند، اگر عبدالله مهتدی در سایه "کاک" صلاح و زعیمش جلال طالبانی بی پروا از هر کسی خط میگیرد و با هر کسی جبهه میسازد، این مساله ای جدی نیست.

برای حزب دمکرات مساله اما فرق میکند. برای یک باند، مساله اتحاد و جبهه معنی عجیبی ندارد. سرتا پای پز حضرات رهبر و رهرو زحمتکشان در رابطه با جبهه سازی و به عرش اعلا بردن "هنرمندان بزرگی" که از الف و ب سیاست، به همان بزرگی هنرمندیشان سر درمیآوردند، دروغ و توطئه و شارلاتانیسم است و لابد حزب دمکرات که

عبدالله شریفی
abe_sharifi@yahoo.com

اخیرا عبدالله مهتدی نوشته ای تحت عنوان (پیامی به تمام هواداران جبهه کردستانی در ایران) منتشر کرده است. پیام عبدالله مهتدی در پیروی از رهنمودهای خواننده "محبوب کرد" برای ایجاد جبهه ای از حزب دمکرات و جماعت خودش تمام سیمای این "شخصیت برجسته کرد" را به نمایش میگذارد. واضح است که فلسفه واقعی جبهه سازی را از پیام جناب عبدالله مهتدی نمیتوان استخراج کرد. ایشان دارد مشق های خود را تحویل استادان و مرشدان خود میدهد و بنابراین نباید این نسخه مرید تازه کار دیپلوماسی ناسیونالیسم و قوم پرستی کرد را جلی گرفت. با این وجود گاهی در فکاهی ترین اظهارات "شخصیتهای" بی مقدار، میتوان رد پای مواضع چهره های اصلی و پشت پرده را تشخیص داد.

با یک نگاه سطحی میشود فهمید که به عبدالله مهتدی گفته اند جبهه بخواهد تا به خیال خودش جایی نزد مقامات درجه چندم فلان بخش از وزارت دفاع و پنتاگون آمریکا برای سازمان سرهم بندی شده خود دست و پا کند. جبهه میخواهد تا ماهیت تقلبی و دست ساز بودن سازمان لومینیسیت زحمتکشان را بعنوان سازمانی سیاسی و به نام سنن کومه له نزد اپوزیسیون راست پرو آمریکایی و ناسیونالیسم ایرانی به حراج بگذارد. حتی حاضر است اگر مقدور شود از رژیم های پرو آمریکایی هم تاییدیه بگیرد. بند به بند این پیام نالیدن برای خدمتگذاری حقیرانه در درگاه عوامل آمریکایی نظیر



امید نیک بین

اتحادیه میهنی، در پرونده "افتخارات" آنها در روزنامه‌های "بهار" و "کیهان" همانموقع انتشار یافت.

جمهوری اسلامی، رژیمی که سرانش دستور قتل رفقای ما را به جلال طالبانی و مزدوران مسلحش داده بود، در سراسیمگی سقوط قرار گرفته است. در دادگاه رسیدگی به جنایات سران رژیم اسلامی، آقای جلال طالبانی و همقطاران ایشان در اتحادیه میهنی که دستور قتل ۵ رفیق عزیز ما را صادر و اجرا کردند نیز، به دادگاه احضار خواهند شد و در ردیف متهمین به جرم جنایت و آدمکشی و مزدوری برای رژیم کثیف اسلامی محاکمه خواهند شد. مدارک و اسناد فراوان و شاهدان و شاکیان بی شمار دیگری نیز در این محاکمات حضور خواهند داشت.

یاد عزیز رفقای جان باخنه: امیدنیک بین، هاوکار، هاوری، کریم و عبدالباسط گرامی باد.

تنگ و نفرت بر جنایتکاران اتحادیه میهنی

**به حزب
کمونیسیت
کارگری
پیوندید!**

گرامی باد خاطره عزیز امید نیک بین و ۴ رفیق همرزم او، قربانیان جنایت ۱۴ ژوئیه سال ۲۰۰۰ جلال طالبانی و مزدوران اتحادیه میهنی کردستان

حامد خاکی

تهدید و اولتیماتوم ادامه دادند. روز ۱۴ ژوئیه از صبح زود کلیه مقرهای حزب را به محاصره درآورده بودند، خصوصا مقر کمیته رهبری را، نیروهای زیادی را در اطراف مقر و روی پشت‌بامهای منازل مسکونی به زور مستقر کرده بودند. حدود ساعت ۳ و نیم بعد از ظهر از هیئتی از رهبری حزب دعوت کردند، که برای مذاکره به خانه نوشیروان مصطفی که از اعضای رهبری اتحادیه میهنی و معاون جلال طالبانی بودند. رفقای هیئت ما در حال مذاکره بودند که ماشین حامل پنج تن از رفقای ما که به مقر بازمی‌گشت، در مسیر راه مورد حمله نیروهای اتحادیه میهنی قرار گرفت که ۳ تن از رفقا، هاوکار، کریم و هاوری مورد اصابت گلوله قرار گرفتند و جان باختند، رفیق عبدالباسط محسن که راننده ماشین بود را دستگیر کردند و همانجا به رگبار بستند و اعدام کردند. تیراندازی از هر طرف شروع شد، چند دقیقه بعد رفیق امید نیک بین نیز از ناحیه سر مورد اصابت گلوله مزدوران جلال طالبانی قرار گرفت و جان باخت.

به گفته صریح و وقیحانه نوشیروان مصطفی، عضو رهبری اتحادیه میهنی، در هر صورت می‌بایست بنا به قولی که رهبری اتحادیه میهنی به جمهوری اسلامی داده بودند، به ما حمله می‌کردند. مراتب تشکر و تقدیر مقامات جمهوری اسلامی از

۱۴ ژوئیه برگ سیاه دیگری از تاریخ جنایات و آدمکشی‌های دارو دسته جلال طالبانی است. سه سال پیش در این روز مزدوران اتحادیه میهنی پنج تن از شریف‌ترین انسانها، آزادیخواه‌ترین انسانها و مدافعان حقوق مردم را به گلوله بست. در ۱۴ ژوئیه ۲۰۰۰ رفقا امیدنیک بین، هاوکار، هاوری، کریم و عبدالباسط در درگیری با اتحادیه میهنی جان باختند. اتحادیه میهنی مدتی بیش از این واقعه ادعانامه ارتجاعی عشایری خود برعلیه ما را صادر کرده بودند و تصمیم به ممنوع ساختن فعالیت حزب ما را در منطقه تحت سلطه خود در کردستان عراق اعلام کرده بودند. از جمله "اتهامات" ما این بود که این حزب خواهان لغو قوانین رژیم بعث در کردستان است، خواهان آزادی زنان و برابری زن و مرد است، خواهان استقلال کردستان و حل مساله کرد در عراق است!! ادعانامه اتحادیه میهنی جلال طالبانی چنان آشکارا ارتجاعی و کثیف بود که مجبور به بازپس گرفتن آن شدند. اما توطئه علیه ما را ادامه دادند، با قطع آب و برق و تلفن مقرهای حزب کمونیست کارگری عراق در سلیمانیه و سازمان مستقل زنان و بعضی از خانه‌های شخصی رفقای رهبری تشکیلات کردستان، شروع کردند و با

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

مردم سندنج وسیعا

در مراسم یادبود

فرهمنده صادق وزیر (سعید)

شرکت کردند



روز چهارشنبه ۱۸ تیر ماه مراسم یادبودی برای فرهمنده صادق وزیر (سعید) در محله قطارچیان سندنج ترتیب داده شد. مردم سندنج وسیعا در این مراسم شرکت کرده و تنفر عمیق خود را از جنایتکاران جمهوری اسلامی که سعید را به قتل رساندند، از خود نشان دادند. در این مراسم تعداد زیادی از خانواده جانباختگان عکس عزیزان خود را که در میدانهای مختلف نبرد با جمهوری اسلامی جانشان را از دست داده بودند، همراه خود داشتند. مراسم یادبود سعید عملاً به زمینه گرامیداشت تعداد زیادی از انسانهای کمونیست و آزادیخواه و صحنه ابراز خشم و نفرت از رژیم جانیان اسلامی تبدیل شد.

لازم به توضیح است که فرهمنده انسانی آزادیخواه و مبارز بود که سالهایی از عمر خود را در صفوف حزب کمونیست ایران و کومله در راه آزادی و برابری انسانها و در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی صرف کرد. سعید چند وقت پیش تصمیم گرفت ایران را به قصد ترکیه ترک کند که در مناطق مرزی توسط مزدوران رژیم دستگیر و زندانی شد و بعد از مدت کوتاهی در روز شنبه ۱۵ تیر ماه، جانوران شکنجه گر جمهوری اسلامی در زندان جانش را گرفتند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران ضمن محکوم کردن این جنایت، جانباختن سعید را به همسر، فرزندان و بستگان و خانواده و دوستانش صمیمانه تسلیت میگوید. جنایتکاران رژیم اسلامی درست در شرایطی که صدای اعتراض مردم ایران با شعار مرگ بر

جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری در همه جا طنین انداز شده است و میباید تا به عمر پر از جنایت آنان خاتمه دهد، میخواهند با قتل و اعدام بساط رعب و وحشت را برقرار کنند تا به خیال واهی خود از سقوط لاشه متعفن رژیم اسلامی به آشغالدانی تاریخ جلوگیری کنند. اما اینگونه اعمال تنها پرونده پر از جنایت سران رژیم را سنگینتر خواهد کرد. مردم ایران به خیابانها آمدهاند و عزم جزم کردهاند تا رژیم اسلامی را از قدرت بزیر بکشند. امروز وقت آن است که هر جنایت رژیم را با اعتراض یکپارچه خود جواب دهیم و تا بدیتوسیله میدان هر نوع مانور را از جمهوری اسلامی بگیریم.

سران یک ربع قرن جنایت و توحش علیه مردم ایران از کیفر مجازات نخواهند رست. جای قاتلین سعید صادق وزیر و هزاران انسان دیگری که در طول حاکمیت رژیم کثیف اسلامی توسط جلادان عبوس یا خندان رژیم اسلامی به قتل رسیدند، پشت میزهای محاکمه است.

گرامی باد یاد سعید صادق وزیر

نگ و نفرت بر رژیم جنایتکاران اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ تیر ۱۳۸۲ - (۱۲ ژوئیه ۲۰۰۳)

انقلاب علیه نظام اسلامی میخواهند و در این مسیر سالیان است که سر بلند گام نهاده اند. دورنمای مبارزه مردم در بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و برای بنای یک جامعه شایسته انسان آزاد و برابر و مرفه و شاد، در عین حال امید نشو و نمای عناصر سناریو سیاه تحت نام جبهه کردستانی برای تبتانی و بند و بست با جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر کور خواهد کرد. با دوز و کلک جبهه و "به ره" سازی و پولتیک زندهای عامیانه و عشایری هم نخواهند توانست سازمان باند سیاهی زحمتکشان را بعنوان جریان سیاسی به مردم قالب کنند.

۱۲ ژوئیه ۲۰۰۳

برای یک دنیای بهتر
برنامه تلویزیونی علی جوادی
 از طریق ماهواره در تلویزیون "کانال ۶"
سه شنبه: ۱۱:۳۰ شب
پنجشنبه: ۲۰:۳۰ بعد از ظهر
جمعه: ۱۲ ظهر
شنبه: ۳۰:۳۰ بعد از ظهر
بوقت تهران

گره میزند. این شرایط امکان فغان و ناله دارودسته باند زحمتکشان را فراهم کرده است. وگرنه ناسیونالیسم کرد حاضر نیست که حزب چندین ساله خود را به فرمان جناب مهدی راست و چپ کند. پرچم افتاده و بی صاحب ناسیونالیسم کرد ترجیحاً به دست همان حزب بی افق میدهد تا بدست جماعتی که هنوز حضورشان در جلسات برای نویسندهگان و ادیب و هنرمندان این جنبش قابل تحمل نیست. از منظر مردم آزادیخواه کردستان منظره طوری دیگر است. مردم این حضرات و سوابق شان را میشناسند. مثلث "ادیب" و "خواننده" و "سیاستمدار" کرد، آنهم همه از نوع بنجل و تقلبی و مشکوک از نظر اصالت و منشا عروج، هر فراخوانی هم بدهند برایشان بی قدر و ارزش است. برای مردم خنده دار است که از رهنمود خواننده "محبوب خلق کرد" که روزی عضو افتخاری قیاده موقت و روزی عضو افتخاری پ ک ک است و روزی سر به آستان جلال طالبانی میساید، کسی که روزی جامه دانه قرمز و روز دیگر پارچه سبز و یا زرد بر سر دارد، جبهه ای تشکیل شود. خود این نوع شخصیتها هم میدانند که هیچکس منتظر رهنمودهای سیاسی آنان نیست

پولتیک زندهای قوم پرستان کرد

حزبی سیاسی است به این سادگی در دام این سالوسی و تزویر نخواهد افتاد. به نظر میرسد حزب دمکرات کردستان ایران امید خود را به سناریوی سیاه تدارک دیده شده از جانب آمریکا گره زده است. به رویای تحول از بالا و زیر سایه آمریکا و متحدینش دل خوش کرده است. آرزویش شرایطی است که حقوق بشر و دمکراسی کروز و خون، مدل برادرانشان در کردستان عراق را به اینها روا دارند، این امید به استراتژی و تاکتیک تبدیل شده است. عراقیزه کردن ایران تنها امید برای ناسیونالیسم ایرانی و حزب دمکرات است. انتظار دارند، آمریکا منطقه کرد نشین را به سبک جنگ خلیج در اختیارشان بگذارد، برای کدخدا شدن کفش و کلاه کرده بودند و نیش و کنایه زندهای جناب صلاح مهدی که حزب دمکرات دیر به صف مدافعین جنگ، و دیر به صف هواداری آمریکا آمده اند از همین جا نشات میگیرد. با این "فشار" دارد برای آینده باند برادرش از حزب دمکرات کرسی مطالبه میکند تا با این تحقیر کردنها حزب دمکرات را وادارند اولاً سازمان زحمتکشان را بعنوان